

گام دوم و فرصت‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در امریکای لاتین

غلام‌حسین یوسفی کوپایی^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

امریکای لاتین یکی از مناطق مهمی است که منابع و ذخایر زیرزمینی و روزمینی فراوان و متنوع دارد که در طول تاریخ مورد توجه و طمع قدرت‌های جهانی اعم از استعمار کهنه، نو و فرانو بوده است. در میان قدرت‌های سلطه‌گر، ایالات متحده از زمان طرح دکترین مونرو، این منطقه را حیاط خلوت خود خوانده و همواره کوشیده است از ورود و بازیگری سایر کشورها در این منطقه ممانعت کند. روابط جمهوری اسلامی ایران با امریکای لاتین قدمتی بیش از یک‌صد سال دارد، اما پیش از پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران با آن منطقه در دایره نظام دوقطبی و ملاحظات خاص قطب غرب تنظیم می‌شد. بنابراین تحول خاصی در روابط ایران با کشورهای منطقه مشاهده نشد. با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و اتخاذ سیاست «نه شرقی نه غربی»، روابط ایران با کشورهای منطقه وارد مرحله جدیدی شد. این روابط از زمان به قدرت رسیدن چاوز در ونزوئلا در اواخر دهه ۱۹۹۰ و هم‌زمان پیروزی خاتمی در ایران آغاز شد و در دوره احمدی‌نژاد اوج گرفت و منجر به بستن قراردادهای مهمی شد. اما در دوره روحانی این روابط به پایین‌ترین سطح رسید. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که فرصت‌های اقتصادی و بازرگانی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در امریکای لاتین کدام‌اند.

کلیدواژگان

ایران، امریکای لاتین، فرصت، اقتصاد، گام دوم.



مقدمه

امریکای لاتین یکی از مناطق مهم جغرافیایی دنیاست که در سال‌های اخیر برحسب توزیع جمعیت انسانی، سنت‌های فرهنگی، نظام‌های اقتصادی و سیاسی اهمیت ژئوپلیتیک مضاعفی در صحنه بین‌المللی یافته است. کشورهای منطقه در عین برخورداری از تنوع در شئون مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، به دلیل داشتن پیشینه‌های سیاسی و تاریخی مشترک و متأثر از پاره‌ای از عوامل تعیین‌کننده منطقه‌ای، دارای وجوه اشتراک قابل ملاحظه‌ای هستند. امریکای لاتین در چند سده اخیر به‌ویژه پس از دوره استقلال، از دکتترین مونرو تا بحران موشکی کوبا به لحاظ دارا بودن موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهان در شرایط و ساختارهای مختلف نظام بین‌الملل، موازنه قوا، نظام دوقطبی و نظام تک‌قطبی قرار گرفته است.

مؤلفه دیگری که به منطقه امریکای لاتین در طول تاریخ، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ویژه‌ای داده منطقه با هسته مرکزی هژمون نظام بین‌الملل و سرمایه‌داری غرب، یعنی ایالات متحده است. بر اساس همین مجاورت جغرافیایی است که امریکا در طول تاریخ، این منطقه را طبق دکتترین مونرو حیاط خلوت خود تلقی کرده و از نفوذ سایر قدرت‌ها به‌خصوص قدرت‌های اروپایی و روسیه که دارای سابقه استعماری در این منطقه بوده‌اند جلوگیری کرده و همچنان برای خود حق حضور و دخالت در این منطقه را قائل بوده است. رویدادهای صورت‌گرفته از ابتدای هزاره سوم در امریکای لاتین و تثبیت قدرت چپ‌ها باعث شده دستگاه سیاست خارجی ایران با نگاهی جدید به منطقه امریکای لاتین بنگرد.

روابط ایران با کشورهای امریکای لاتین قدمتی بیش از یک‌صد و پنجاه سال دارد، اما پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل قرار داشتن ایران در میدان مغناطیس قطب غرب به رهبری امریکا، سیاست خارجی و روابط ایران متأثر از سیاست‌های قطب غرب و طبعاً روابط با امریکای لاتین محدود به مبادلات اقتصادی، آن‌هم در سطح بسیار پایین بوده است. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل ماهیت سیاسی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و با عنایت به اتخاذ و اعلام سیاست «نه شرقی نه غربی» و تنظیم روابط ایران با دو بلوک قدرت غرب و شرق، طبیعتاً با کشورهایی که سیاست‌های ضد نظام سلطه داشتند روابط بهتری برقرار شد که این روابط حوزه‌های اقتصادی را نیز دربرمی‌گرفت. همچنین در گام



دوم انقلاب اسلامی نگرش ایران به امریکای لاتین به‌عنوان حوزه فرصت‌ها در برابر ایالات متحده به‌عنوان حوزه تهدیدها باید نگرش گسترش و ژرف کردن مراودات اقتصادی بر پایه کنش پراگماتیک تعریف شود. بحث اصلی مقاله حاضر این است که امریکای لاتین به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و همچنین دارا بودن ذخایر و منابع طبیعی متنوع و عظیم، چه فرصت‌هایی در زمینه اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران داشته و آیا می‌تواند مقصد مهم صادرات برای ایران باشد. این مقاله از جنبه هدف و ماهیت، پژوهشی کاربردی و روش به‌کاررفته در آن توصیفی و تحلیلی است که به اهمیت امریکای لاتین پرداخته، روابط ایران با آن منطقه را در پیش و پس از انقلاب اسلامی خصوصاً بعد اقتصادی گذشته را با زبان آمار بررسی و تحلیل کرده و در پایان فرصت‌های اقتصادی پیش روی جمهوری اسلامی ایران را شناسایی و چگونگی استفاده از آن را تبیین کرده است. اطلاعات مورد نیاز نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و مصاحبه با کارشناسان و صاحب‌نظران آن منطقه گردآوری و تحلیل شده است.

تعاریف و اصطلاحات

تعریف فرصت

فرصت در مقابل تهدید معنا پیدا می‌کند. فرصت به موقعیت‌هایی اطلاق می‌شود که اولاً فرد بتواند آن را کنترل کند و ثانیاً این موقعیت‌ها پیامدهای مثبتی برای فرد به همراه داشته باشند. در مقابل، تهدید به هر موقعیت کنترل‌ناشدنی با پیامدهای منفی اطلاق می‌شود (Krueger, 2000). فرصت به هرگونه ایده که اجرای آن امکان‌پذیر باشد گفته می‌شود (Gartner et. al., 2003). فرصت موقعیتی است که در آن فرد بر این باور است که با نوترکیبی منابع می‌تواند به سودی نایل آید (Shane, 2003).

تعریف اقتصاد سیاسی

رابرت گیلپین می‌گوید تنش و تعامل بین سیاست و اقتصاد، جوهره اقتصاد سیاسی را شکل می‌دهد. اگرچه نفوذ نسبی اقتصاد و بازار در طی زمان تغییر می‌کند، این دو نیرو همیشه باهم مرتبط‌اند و هیچ‌گاه مستقل از یکدیگر وجود ندارند. وی می‌افزاید ظهور بازار به‌عنوان نیرو،

روابط اجتماعی و سیاسی را در میان جوامع به طور کلی متحول می‌کند. وجود موازی و تعامل متقابل «دولت» و «بازار» در جهان مدرن، «اقتصاد سیاسی» را پدید می‌آورد. بدون دولت و بازار، اقتصاد سیاسی اصلاً نمی‌توانست وجود داشته باشد. برای دولت، قلمرو سرزمینی مبنای ضروری استقلال ملی و وحدت سیاسی است. برای بازار، محو تمام موانع سیاسی و غیرسیاسی که در سر راه عمل مکانیسم بازار قرار دارند، امری ضروری است (Gilpin, 2000).

تعریف امریکای لاتین

منطقه امریکای لاتین دربرگیرنده بخش اعظم قاره امریکا از شمال مکزیک تا جنوب شیلی و آرژانتین با وسعتی بیش از بیست و یک میلیون کیلومتر مربع است که به امریکای شمالی، امریکای مرکزی، حوزه کاراییب و امریکای جنوبی تقسیم می‌شود و دارای پانزده درصد مساحت کره زمین و جمعیتی بیش از ۵۶۰ میلیون نفر است. از نظر ژئوپلیتیکی، امریکای لاتین مجموعه‌ای از کشورهای قاره امریکا را تشکیل می‌دهد که می‌توان آن را در برابر امریکای شمالی انگلیسی‌زبان قرار داد (نوروزی، ۱۳۹۰). اصطلاح «امریکای لاتین» به مناطقی که زبان رایج آنها اسپانیولی و پرتغالی است و قبلاً مستعمره دو کشور اسپانیا و پرتغال و در مواردی مستعمره انگلیس و فرانسه بوده‌اند اطلاق می‌شود که ساکنان این سرزمین تحت تأثیر استعمارگران اروپایی و پرتغالی، زبان بومی خود را از دست داده‌اند و از زبان اسپانیایی و پرتغالی استفاده می‌کنند و شامل بیش از سی کشور قاره امریکا می‌شود^۱ (یوسفی، ۱۳۹۵: ۹).

پیشینه روابط

روابط ایران و امریکای لاتین در پیش و پس از انقلاب اسلامی

اولین تماس دیپلماتیک ایران با کشورهای امریکای لاتین به اوایل قرن بیستم و عزیمت سفیر وقت ایران در واشنگتن اسحاق خان مفخم‌الدوله، به چند کشور منطقه از جمله مکزیک، برزیل، آرژانتین، اروگوئه و شیلی برمی‌گردد که اتفاقاً منجر به امضای یک سری معاهدات مودت و بازرگانی با این کشورها شد (آدینه‌وند، ۱۳۹۴: ۵۲). ایران نماینده دیپلماتیک خود را با مکزیک در سال ۱۸۸۹ مبادله کرد. ملی شدن صنعت نفت مکزیک در سال ۱۹۳۲ توجه ایران را به

۱. از میان کشورهای امریکای لاتین می‌توان به برزیل، آرژانتین، بولیوی، کاستاریکا، شیلی، کوبا، اکوادور، گواتمالا، هندوراس، پرو، پاناما، السالوادور، پاراگوئه، نیکاراگوا و ونزوئلا اشاره کرد. پورتوریکو و هائیتی را نیز گاهی جزو امریکای لاتین به‌شمار می‌آورند. بالین‌همه، گوین فرانسه به دلیل قرار گرفتن در میان مستعمرات آن سوی دریای فرانسه، جزئی از اتحادیه اروپا به‌شمار می‌رود.



خود جلب کرد؛ زیرا به سلطه بریتانیا در بخش نفت می‌اندیشید (Zeraoui, 2011: 179). در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی البته رابطه با ونزوئلا به دلیل همکاری‌های نفتی در چهارچوب اوپک که هر دو کشور از بنیان‌گذاران آن بودند، کمی متمایزتر از دیگر کشورها بود. آرژانتین و برزیل به ترتیب در ۱۹۰۲ و ۱۹۰۳ روابط خود را با ایران آغاز کردند (مهدوی، ۱۳۸۵: ۳۱۴). در این دوره ایران به امریکای لاتین عمدتاً مواد خام صادر می‌کرد. ایران روابط دیپلماتیک خود را با کوبا در سال ۱۹۷۵ برقرار کرد و احتمالاً امیدوار بود که فعالیت‌های داخلی چپ را از طریق همکاری با کاسترو تضعیف کند. اما در سال ۱۹۷۶ زمانی که کاسترو با اعضای حزب توده در مسکو دیدار کرد، شاه به روابط خود با کوبا خاتمه داد (Bruce, 1976: 86). اما به‌طور کلی روابط دیپلماتیک بین ایران و کشورهای امریکای لاتین طی صد سال اخیر در سطح بسیار محدودی قرار داشت که مهم‌ترین علت آن هژمونی ایالات متحده بر این منطقه در راستای دکترین مونرو بود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

با پیروزی انقلاب اسلامی و چرخش کلی سیاست‌های کشور، توسعه روابط با تمام کشورهای جهان در دستور کار قرار گرفت؛ به‌طوری‌که می‌توان آن را نشان‌دهنده رویکردی عمل‌گرایانه در سیاست خارجی ایران به‌شمار آورد (Lotfian: 2010). گفتمان انقلاب اسلامی تلاش برای تحقق عدالت، مبارزه با استکبار جهانی و بازگشت به معنویت را مطرح کرده است (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۴۳). یکی از رویکردهای مهم در سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، توجه به گسترش روابط با کشورهایی بود که در اصطلاح، «جهان سوم» نامیده می‌شوند. به‌طور کلی اولویت یافتن توجه به جهان سوم در حوزه سیاست‌گذاری خارجی ایران تحت تأثیر سه عامل درهم‌تنیده ماهیت انقلابی نظام جمهوری اسلامی، ایدئولوژی اسلامی با تأکید بر توجه به مستضعفان و اصول مورد تأکید در قانون اساسی تنظیم شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۹۰).

افق بلندمدت انقلاب اسلامی و نیازهای اقتصادی در طول جنگ با عراق موجب شد اقتصاد در اولویت برقراری روابط ایران با کشورهای امریکای لاتین قرار گیرد. البته روابط صمیمی سیاسی با کوبا و نیکاراگوآ مورد تأکید دولت‌های موسوی و رفسنجانی بود. با روی کار آمدن خاتمی تحرک سیاسی و گسترش روابط در این حوزه نیز میسر شد (Sullivan, 2012: 9). می‌توان از سفر خاتمی به ونزوئلا و کوبا، سفر حبیبی، معاون ایشان، به کلمبیا، ونزوئلا و کوبا و سفر چاوز

(دو مرتبه)، کاسترو (یک مرتبه) و وزرای خارجه ونزولا، اروگوئه، کوبا و رئیس مجلس کلمبیا به ایران یاد کرد (ضیایی، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۴). اگرچه آغاز تحول در روابط ایران و امریکای لاتین را باید از زمان روی کار آمدن چاوز در ونزولا در سال ۱۹۹۹ و ریاست جمهوری خاتمی در ایران دانست، اوج گسترش روابط را باید در سال‌های ریاست جمهوری احمدی‌نژاد جست‌وجو کرد، که دلیل آن از یک سو گسترش موج چپ در امریکای لاتین و از سوی دیگر روی کار آمدن دولت وی در ایران است، که با اتخاذ رویکردی آرمان‌گرایانه و مواضع بسیار سرسختانه در مقابل نظم حاکم بر نظام بین‌الملل و مخالفت با سیاست‌های امپریالیستی امریکا، موجبات نزدیکی هرچه بیشتر طرفین را فراهم کرده است (Douglas, 2009: 4). در این باره، همکاری دو کشور باتوجه به تحریم‌های بین‌المللی، به خصوص تحریم‌های یک‌جانبه امریکا ضد ایران حایز اهمیت تلقی می‌شود. دلیل نزدیکی دو کشور ایران و ونزولا و به دنبال آن دیگر دولت‌های چپ‌گرا این بود که چاوز خود را در مواجهه با امریکا تنها می‌دید و به دنبال یارگیری و افزایش هم‌پیمانان مورد اعتماد در امریکای لاتین و خارج از آن منطقه بود، که سرشت ضدیت انقلاب اسلامی با نظام سلطه و تقابل ایران با سیاست‌های امریکا در سطح جهان موجب شد چاوز هم‌پیمان مورد اعتماد خود را بیابد و در نزدیک شدن به آن بکوشد (یوسفی، ۱۳۹۷: ۱۷۸).

بنابراین چاوز با رویکرد یارگیری سیاسی و برقراری روابط تنگاتنگ اقتصادی، پذیرای حضور صنایع ایران شد تا در چهارچوب رخدادی تقریباً بی‌سابقه صادرات صنعتی، فنی و مهندسی ایران به کشوری در قاره امریکا در حجم بالا رقم بخورد. امضای صدها سند همکاری و اجرای ده‌ها پروژه مشترک بین دو کشور که کاملاً با سرمایه دولت ونزولا اجرا شد، فرصتی ناب در اختیار صنعتگران ایران قرار داد تا ضمن ارتقای سطح توانایی خود، تجربه کار در سطح بین‌المللی را نیز کسب کنند (ارغوانی، ۱۳۹۴: ۱۱۰). این فعالیت‌ها با حضور شرکت‌های متعدد خصوصی ایرانی در بخش‌های مختلف سدسازی، تولید خودرو، سیمان، آرد، مسکن، صدور خدمات فنی، مهندسی و... ادامه یافت (ضیایی، ۱۳۸۵: ۱۵). گسترش و شتاب همکاری‌های بین دو کشور نه تنها در سطوح بازرگانی، بلکه مسائلی همچون حمایت‌های شجاعانه نماینده ونزولا و به دنبال آن کوبا، اکوادور و بولیوی از ایران در سازمان‌های بین‌المللی، موجب تقویت روابط کشورهای کوبا، اکوادور و بولیوی با ایران شد (ارغوانی، ۱۳۹۴: ۱۱۰).



از سال ۱۳۸۴ با روی کار آمدن احمدی‌نژاد در ایران در نتیجه عواملی مانند نگاه انتقادی به نظام بین‌الملل و لزوم ائتلاف با سایر قدرت‌های ناراضی، محیط نامساعد پیرامونی و اختلاف عمیق ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک با همسایگان و درنهایت، نگرش خاص و منفی نخبگان اصول‌گرا به ترتیبات نظام بین‌الملل، سیاست نگاه به شرق از شکل کلی مستتر در سیاست خارجی ایران به رویکردی راهبردی تبدیل شد که در چهارچوب آن بر گسترش روابط با کشورهای همچون چین، روسیه و هند و در تعریف کلی‌تر از این سیاست، افریقا و امریکای لاتین تأکید می‌شد (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۳۱۸). در این دوره تلاش شد با احیا، بازسازی و تأکید بر روحیه انقلابی در سیاست خارجی، شرایطی مهیا شود تا از طریق آن با ائتلاف با کشورهای ناراضی از وضع موجود به‌ویژه در امریکای لاتین، نظام سیاسی و اقتصادی بین‌المللی، انتقاد و آن وضع تعدیل شود؛ که با این هدف‌سازی، روند روابط ایران با دیگر کشورها از جمله امریکای لاتین در مسیر جدیدی قرار گرفت. در سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن دولت روحانی و واگذاری پرونده هسته‌ای که تا پیش از این در اختیار دبیر شورای عالی امنیت ملی بود به وزارت امور خارجه و تمرکز ظریف بر آن و آغاز مذاکرات حساس با ۵+۱، امریکای لاتین عملاً از اولویت سیاست خارجی ایران خارج شد. این در حالی است که در دولت خاتمی و به‌ویژه احمدی‌نژاد بیشترین مراودات بین رؤسای جمهوری و مقامات سیاسی و اقتصادی ایران با ونزوئلا و... برقرار بود.

ظریف در شهریور سال ۱۳۹۵، سال آخر دولت یازدهم، اولین سفر خود را طی شش روز به هفت کشور امریکای لاتین، یعنی اکوادور، بولیوی، شیلی، نیکاراگوئه، مکزیک، کوبا و ونزوئلا، آغاز کرد؛ درحالی‌که وزرای خارجه کشورهای برزیل، اکوادور، اروگوئه، نیکاراگوآ، مکزیک، کوبا و ونزوئلا تا پایان سال ۱۳۹۵ در مجموع یازده سفر به ایران داشتند. همچنین رئیس دولت یازدهم تنها در شهریور سال ۱۳۹۵ به منظور شرکت در کنفرانس «نم»، سفری به ونزوئلا و کوبا داشت؛ در صورتی که مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، در دی ۱۳۹۳ و آذر ۱۳۹۴ به منظور مذاکرات دوجانبه به تهران سفر کرده بود. همچنین به منظور شرکت در مراسم تحلیف ریاست جمهوری روحانی در مرداد ۱۳۹۲ کوبا و نیکاراگوآ در سطح معاون رئیس‌جمهور، ونزوئلا در سطح رئیس مجلس و برزیل و اکوادور در سطح وزیر خارجه حضور یافتند (سبحانی، ۱۳۹۷: ۱۷۹).

کاهش مراودات سیاسی، کاهش تبادلات تجاری را نیز به دنبال داشت. این مسئله تا حدودی موجب نارضایتی کشورهای همسور در امریکای لاتین شد. اما باتوجه به امضای برجام و با وجود رفع تحریم‌های سازمان ملل، با کارشکنی‌های امریکا در بهره‌مندی ایران از مزایای برجام، دولت دوازدهم می‌کوشد مراودات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با کشورهای امریکای لاتین از سر گیرد و از این منطقه به‌عنوان مقصد صادرات کالا و خدمات فنی و مهندسی و ارزآوری استفاده بیشتری کند (رونق، ۱۳۹۷). سفر چهارروزه اواخر فروردین ۱۳۹۷ ظریف در رأس هیئت بلندپایه سیاسی و اقتصادی به برزیل و اوروگوئه و اختصاص خط اعتباری ۱/۲ میلیارد دلاری از سوی برزیل برای تجار ایرانی، در همین راستا ارزیابی می‌شود. نوساناتی که در سیاست خارجی ایران در دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و خصوصاً روحانی در سطح روابط با امریکای لاتین مشاهده می‌شود، نشان از نداشتن راهبرد مشخص و عدم تعریف جایگاه این منطقه مهم در سیاست خارجی ایران به‌ویژه در آغاز گام دوم انقلاب اسلامی است (یوسفی، ۱۳۹۷: ۱۸۰).

هدف‌گذاری و فعالیت‌های ایران در امریکای لاتین پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه سیاسی بر پایه کنش ایدئولوژیک و در حوزه اقتصادی بر پایه کنش پراگماتیک و بر اساس سیاست موازنه منفی «نه شرقی نه غربی» تنظیم شد که با روی کار آمدن خاتمی نضج گرفت، در دوره احمدی‌نژاد به اوج رسید و در دولت روحانی با کاهش محسوس همراه شد. اما دولت روحانی باتوجه به اینکه فشارهای امریکا خارج از حوزه توافق برجام بر ایران افزایش بی‌سابقه‌ای یافت، به بازنگری در روابط و احیای آن با دولت‌های همسور در امریکای لاتین پرداخت، که سفر یک‌هفته‌ای ظریف در اواخر تیر و اوایل مرداد ۱۳۹۸ گویای همین مسئله است. اما اینکه در فرصت اندک باقی‌مانده از عمر دولت دوازدهم، این دولت تا چه اندازه خواهد توانست کاستی‌های ناشی از کم‌توجهی به منطقه بااهمیت امریکای لاتین را جبران کند و روند نزولی روابط سیاسی و خصوصاً اقتصادی را افزایش دهد، با ابهامات جدی روبه‌روست.



ویژگی‌ها و مزیت‌های امریکای لاتین

امریکای لاتین یکی از مناطق ثروتمند جهان است؛ به‌گونه‌ای که بیش از ۲۱ میلیون کیلومتر مربع مساحت، چهارده‌هزارمیلیارد مترمکعب ذخایر آب شیرین، یک‌پنجم تنوع زیستی جهان، حدود شش‌صد میلیون نفر جمعیت، وجود بیش از نه میلیون کیلومتر مربع جنگل‌ها و مراتع جهان که اصطلاحاً شش جهان نامیده می‌شود، دارا بودن ذخایر نفتی جهان به میزان ۳۵۵ میلیارد بشکه و دوازده درصد زمین‌های قابل کشت جهان با عمق حاصل‌خیزی صدوپنجاه سانتی‌متر، تولید ناخالص داخلی حدود ۵/۵ تریلیون دلار، ارزش صادرات بیش از هزارمیلیارد دلار و واردات حدود ۹۵۰ میلیارد دلار، پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی ۱۸۴/۲۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ و ۱۰۶۴ میلیارد تن انرژی‌های پایه از ظرفیت‌هایی است که در امریکای لاتین قرار دارد (صالحی، ۱۳۹۶: ۳۲). سایر معادن، منابع و ذخایر این منطقه مانند طلا، نقره، الماس، آلومینیوم، بوکسیت، سنگ آهن، لیتیوم و گاز از مزیت‌های امریکای لاتین است.

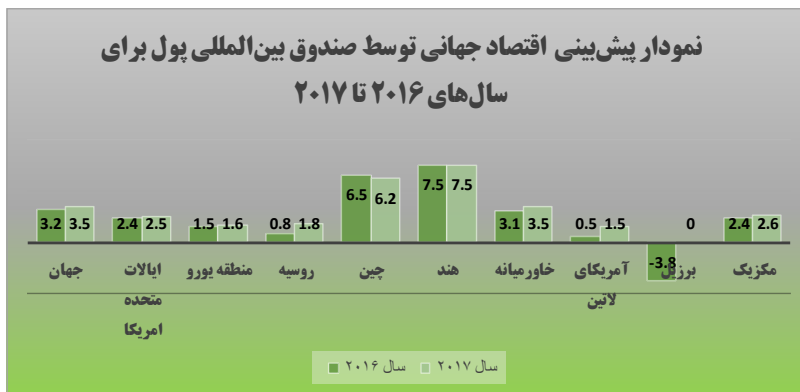
از بعد اقتصادی، منطقه بسیار وسیع امریکای لاتین با برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز و ظرفیت‌های بالای معدنی، صنعتی و کشاورزی می‌تواند شریک اقتصادی بسیار خوبی برای ایران باشد. ایران علاوه بر صادرات نفت، از توانایی بالایی برای صادرات خدمات مهندسی و فنی، تولید مصنوعات فولادی و مسی، پتروشیمی، پلاستیکی و... به امریکای لاتین برخوردار است (بای، ۱۳۹۳: ۲). صدور خدمات فنی و مهندسی ایران به منطقه و افزایش واردات از آن کشورها به ایران، موجب توسعه روابط اقتصادی طرفین و کاهش اثر تحریم‌های امریکا ضد کشورمان شده است. امریکای لاتین در آینده جایگاه مهم و استراتژیکی در تأمین غذا، آب و انرژی جهان دارا خواهد بود. بر اساس گزارش رسمی «فائو» در سال ۲۰۲۵ چهل و پنج درصد از غذای دنیا در برزیل و آرژانتین تولید خواهد شد. در برزیل به‌تنهایی هفده درصد ذخایر آب شیرین جهان قرار دارد (شاطرزاده، ۱۳۹۶: ۲۹).

صندوق بین‌المللی پول (IMF) در گزارش «دورنمای اقتصاد جهانی»^۱ متوسط رشد اقتصادی امریکای لاتین را در سال ۲۰۱۶ کمتر از متوسط جهانی و حدود ۰/۵ درصد، ولی در سال ۲۰۱۷ رشد آن را روبه‌افزایش دانست و رقم ۱/۵ درصد را پیش‌بینی کرد. یکی

از عوامل رشد اقتصادی این منطقه کاهش قیمت جهانی مواد اولیه و تأثیر این عوامل در کشورهای برزیل و ونزوئلا ذکر شده است (شکل شماره ۱ و ۲).

جدول پیش‌بینی اقتصاد جهان توسط صندوق بین‌المللی پول^۱ برای سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷

منطقه / کشور	سال ۲۰۱۶	سال ۲۰۱۷
جهان	۳/۲٪	۳/۵٪
ایالات متحده آمریکا	۲/۴٪	۲/۵٪
منطقه یورو	۱/۵٪	۱/۶٪
روسیه	۱/۸٪	۰/۸٪
چین	۶/۵٪	۶/۲٪
هند	۷/۵٪	۷/۵٪
خاورمیانه	۳/۱٪	۳/۵٪
امریکای لاتین	۰/۵٪	۱/۵٪
برزیل	-۳/۸٪	۰/۰٪
مکزیک	۲/۴٪	۲/۶٪



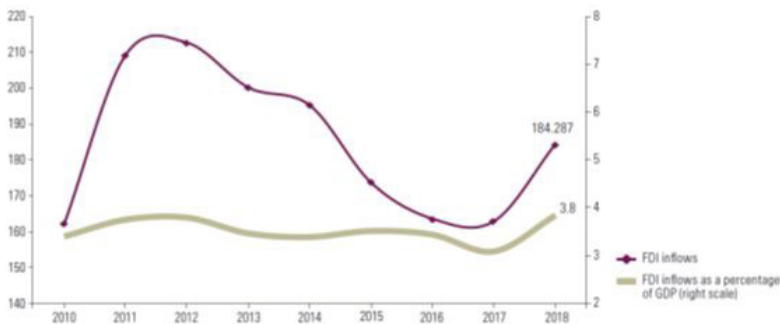
شکل شماره ۱: نمودار پیش‌بینی اقتصاد جهانی

امریکای لاتین به دلیل ویژگی‌های کم‌نظیری که دارد، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ در زمان استعمار کهنه و استعمار نو و اکنون نیز مورد توجه استعمار فرانو قرن بیست و یکمی است. در همین باره می‌توان گفت آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و روسیه از کشورهایی هستند که با نگاهی منفعت‌طلبانه در رقابت با یکدیگر بوده و هریک سعی و تلاش وافر در افزایش نفوذ خود در کشورهای ثروتمند این منطقه دارند. قدرت‌های یادشده به‌عنوان سرمایه‌گذاران

1. World Economic Outlook Report of the IMF April 2016.

خارجی در امریکای لاتین معادن و منابع کشورها را در اختیار گرفته‌اند و با ایجاد وابستگی اقتصادی در حال افزایش نفوذ خود هستند.

بر اساس گزارش کمیسیون اقتصادی امریکای لاتین و کاراییب (سپال)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در امریکای لاتین و کاراییب در سال ۲۰۱۸ سیر صعودی داشت و به رقم ۲۸/۱۸۴ میلیارد دلار بالغ شد که افزایش ۱۳/۲ درصد نسبت به رقم سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد، ولی همچنان از میزان اوج خود در سال ۲۰۱۱ پایین‌تر است (شکل شماره ۳). سرمایه‌گذاری خارجی در این منطقه حدود چهارده درصد کل جریان سرمایه‌گذاری خارجی در جهان و ۳/۸ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای امریکای لاتین را دربرمی‌گیرد. رشد فزاینده سرمایه‌گذاری خارجی در برزیل و مکزیک و به میزان کمتری در آرژانتین، اکوادور، کلمبیا و پاناما انجام شده است (شکل شماره ۴). بیشتر این سرمایه‌گذاری را وام‌های بین‌شرکتی و سرمایه‌گذاری مجدد سود دربرمی‌گیرد (MFA).



شکل شماره ۲: جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در امریکای لاتین در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ (میلیارد دلار)

همان‌طور که نمودارها نشان می‌دهد، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چند سال گذشته روند ثابتی بین کشورها و زیرمنطقه‌های امریکای لاتین نداشته و سال ۲۰۱۸ نیز استثنا نبوده است. بر اساس این گزارش، سرمایه‌گذاری در شانزده کشور منطقه افزایش و در پانزده کشور دیگر کاهش داشته است. برزیل با جذب ۴۸ درصد کل سرمایه‌گذاری صورت گرفته در منطقه امریکای لاتین، اولین کشور مقصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این منطقه باقی ماند. کشورهای مکزیک (۲۰٪)، آرژانتین (۶٪)، کلمبیا (۶٪) و پاناما (۴٪) دیگر مقاصد بزرگ سرمایه‌گذاری خارجی در این منطقه‌اند.

کشورهای عمده سرمایه‌گذار در امریکای لاتین

اتحادیه اروپا و امریکا سرمایه‌گذاران اصلی در امریکای لاتین هستند. اروپا حضور بیشتری در کشورهای مخروط جنوبی (برزیل، آرژانتین، اروگوئه، شیلی و پاراگوئه) داشته است؛ به نحوی که ۷۴ درصد سرمایه‌گذاری خارجی در برزیل از کشورهای اروپایی است. بیشتر سرمایه‌گذاری امریکا در مکزیک و کشورهای امریکای مرکزی انجام می‌گیرد. امریکا و اروپا با شتاب‌دهی به این روند در سال ۲۰۱۸ مجدداً پیشتازی در زمینه عملیات ادغام و تملیک‌ها را که در سال ۲۰۱۷ به چین واگذار کرده بودند به دست آوردند.

چین بر به دست آوردن صنایع استخراجی و کشاورزی، تولید انرژی، خدمات رفاهی (آب، برق و گاز) و زیرساخت‌ها تمرکز دارد. شرکت‌های چینی سرمایه‌گذاری در خورتوجهی در زیرساخت‌ها و معادن لیتیوم انجام دادند، ولی حجم آن از سال ۲۰۱۷ پایین‌تر بود و سهم آنها از منشأ ادغام و تملیک‌ها از ۳۷ درصد در سال ۲۰۱۷ به نوزده درصد در سال ۲۰۱۸ کاهش یافت. گسترش ابتکار «یک پهنه یک راه» به امریکای لاتین و کاراییب، نشان از علاقه چین به منطقه دارد. پاناما اولین کشور امریکای لاتین بود که در سال ۲۰۱۷ به این ابتکار پیوست. تا نیمه اول سال ۲۰۱۹ هجده کشور منطقه به این طرح پیوسته و یادداشت تفاهم با چین تحت این ابتکار امضا کرده‌اند که ده کشور آن کاراییبی‌اند. این موافقت‌نامه‌ها می‌تواند سرمایه‌گذاری بیشتری در زیرساخت‌ها، صنایع و خدمات منطقه جذب کند و نفوذ چین در منطقه را افزایش دهد. بهبود جایگاه بخش صنعت و خدمات، به‌عنوان مقصد عمده سرمایه‌گذاری خارجی که از زمان پایان دوران رونق قیمت‌های مواد اولیه شروع شده است، در سال ۲۰۱۸ نیز ادامه یافت. ۴۷ درصد سرمایه‌گذاری انجام‌شده در سال ۲۰۱۸ در بخش صنعت، ۳۵ درصد در بخش خدمات و یازده درصد در بخش مواد اولیه انجام گرفت (شکل شماره ۵).

روابط تجاری ایران با امریکای لاتین

روابط ایران با امریکای لاتین قدمتی حدود یک‌صد و بیست‌ساله دارد، اما به دلیل ماهیت سیاسی آن هیچ‌گاه رشد و توسعه نیافت؛ زیرا ایران زیر سیستم قطب غرب به رهبری امریکا تعریف می‌شد. ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و چرخش کلی سیاست‌های ایران در چهارچوب اصول کلی سیاست خارجی («نه شرقی نه غربی») توسعه روابط با تمام کشورهای جهان خصوصاً کشورهایی که دارای استقلال سیاسی و اراده مستقل‌تری بودند به‌ویژه



کشورهایی که با سیاست‌های ایالات متحده دارای زاویه بودند، در دستور کار قرار گرفت؛ به طوری که می‌توان آن را نشان‌دهنده رویکرد پراگماتیک در سیاست خارجی اقتصادی ایران به حساب آورد. افق بلندمدت انقلاب اسلامی و نیازهای اقتصادی در طول جنگ با عراق موجب شد اقتصاد در اولویت برقراری روابط ایران با کشورهای امریکای لاتین قرار گیرد (Sullivan, 2012: 9). به لحاظ اقتصادی احساس مشترک ایران و امریکای لاتین در نیاز به اصلاح نظام اقتصاد بین‌المللی و تعدیل آن، ضرورت افزایش خودکفایی اقتصادی کشورهای جهان سوم و احساس نیاز به افزایش همکاری‌های اقتصادی و نیز هماهنگی در سایر حوزه‌ها میان کشورهای جنوب در چهارچوب همکاری جنوب-جنوب، مهم‌ترین این وجوه مشترک به شمار می‌رود (Hunter, 2010: 225). ارائه الگوی تجارت مناسب اقتصادی مبتنی بر اصل انصاف و برد-برد، موجب افزایش اعتماد دولت‌های امریکای لاتین در تجارت با ایران گردید؛ به گونه‌ای که سطح روابط ایران و کشورهای امریکای لاتین از مرز تبادلات اقتصادی عبور کرده و به سطوح همکاری‌های نظامی و امنیتی نیز رسیده است (لطفعلی پور، ۱۳۹۰: ۷۶-۹۸).

روابط اقتصادی ایران با امریکای لاتین با وجود همسویی سیاسی تهران با کشورهایی مانند ونزوئلا، اکوادور و بولیوی، بیشتر با برزیل و آرژانتین رقم خورده است. تبادلات بازرگانی و اقتصادی ایران با امریکای لاتین به طور متوسط به رقمی بین دو تا سه میلیارد دلار در سال می‌رسد که از این رقم تقریباً سه چهارم آن به خرید از برزیل و حدود یک چهارم آن نیز به خرید از آرژانتین مربوط می‌شود که عمدتاً به اقلام کشاورزی و دامی اختصاص دارد. مراودات تجاری با ونزوئلا نیز عمدتاً صادرات ایران به این کشور را دربرمی‌گیرد و با توجه به تصویر مثبتی که از شراکت تجاری با ایران در امریکای لاتین به دلیل خوش حساب بودن ایران، با اجرای پروژه‌های صادراتی و خدمات فنی و مهندسی در ونزوئلا به وجود آمده، پتانسیل مناسبی برای افزایش حجم روابط تجاری فراهم کرده است. کشورهای ونزوئلا، بولیوی، اکوادور و نیکاراگوا ایران را به منزله کشوری می‌بینند که بدون هیچ چشمداشت سلطه‌گرانه، رفع‌کننده مشکلات اقتصادی آنهاست که این نیز ظرفیت‌های اقتصادی قدرت نرم ایران را نشان می‌دهد (یوسفی، ۱۳۹۷: ۱۹۰-۱۹۱). روابط اقتصادی ایران با کشورهای چپ‌گرای امریکای لاتین فرصت بسیار ذی‌قیمتی را در اختیار جمهوری اسلامی قرار داد که بهره‌برداری بهنگام از آن می‌توانست وابستگی این کشورها را به ایران افزایش دهد و ضمن اینکه از مشکلات برسازی‌شده توسط امریکا بر این کشورها می‌کاست، موجب افزایش

نفوذ و ارزآوری برای ایران می‌شد. با سقوط دولت مورالس در اواخر سال ۲۰۱۹ در بولیوی و جایگزینی دولتی راست‌گرا و وابسته به آمریکا، ایران یکی از فرصت‌های اقتصادی خود را از دست داده است. توجه به کشورهای دوست در امریکای لاتین با کمک مستشاری و توانمندسازی آنها برای مقابله با امپریالیسم آمریکا در گام دوم انقلاب اسلامی، راهبردی است که باید جدی گرفته شود.

صدور خدمات فنی و مهندسی ایران به منطقه و واردات اقلام مورد نیاز از آن کشورها توسعه روابط اقتصادی طرفین و کاهش اثر تحریم‌های آمریکا ضد ایران (شاطرزاده، ۱۳۹۶: ۲۹) و گسترش مبادلات تجاری چشمگیری را طی بیش از یک دهه در پی داشت؛ به گونه‌ای که میزان مبادلات تجاری ایران و امریکای لاتین از نهصد میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ به نزدیک چهارمیلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ رسید (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۶: ۳۶). همچنین ایران در روابط اقتصادی خود با کشورهای امریکای لاتین به متنوع‌سازی شرکای اقتصادی و بازرگانی پرداخت و طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ توانست بیش از ۲۵۰ توافق‌نامه تجاری با کشورهای امریکای لاتین به امضا برساند (باقری، ۱۳۹۳: ۱۸۹)، از جمله طرح توسعه صنعتی محور آپوره-اورینوکو، ساخت هفتاد هزار واحد مسکونی، همکاری‌های آب و برق، فرآورده‌های خون و انتقال فناوری، ساخت کارخانه مهمات، کارخانه مونتاژ خودرو و کارخانه

سیمان (Tabyincenter, 12048: 2016).

جدول شماره ۵: تجارت خارجی ایران با هشت کشور امریکای لاتین طی سه سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷^۱

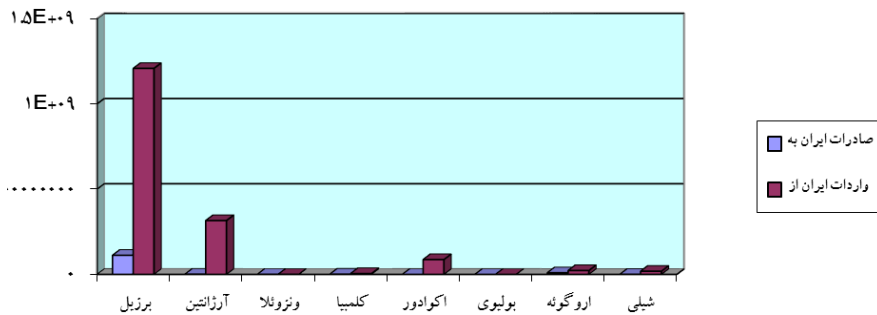
ردیف	کشور	سال ۱۳۹۵		سال ۱۳۹۶		سال ۱۳۹۷	
		صادرات ایران به	واردات ایران از	صادرات ایران به	واردات ایران از	صادرات ایران به	واردات ایران از
۱	برزیل	۱۱۱/۸۶۶/۱۷۲	۱/۲۰۸/۳۲۵/۰۰۷	۲۸/۴۳۵/۷۰۴	۶۷۴/۷۸۹/۹۲۵	۱۷/۳۰۸/۳۳۶	۴۸۹/۳۱۲/۸۲۲
۲	آرژانتین	۱/۰۰۳/۳۶۳	۳۱۵/۵۱۲/۵۸۸	۱/۱۶۰/۷۱۰	۹۸/۴۶۰/۳۰۶	۱۳۹/۱۷۰	۱۲۸/۰۳۹/۸۸۰
۳	ونزوئلا	۵۳۳/۰۱۳	۳۷۸/۰۰۰	۳۶۳/۰۳۴	—	۴۹/۱/۶۵۰	—
۴	کلمبیا	۱/۳۹۲/۱۱۳	۴/۸۵۸/۲۵۰	۷۰۸/۵۱۶	۲/۰۱۵/۰۰۹	—	—
۵	اکوادور	۴۹/۶۵۲	۸۶/۷۸۴/۵۵۷	۱۲۶/۶۳۱	۱۰۵/۶۳۸/۹۸۶	—	—
۶	بولیوی	۳۰/۹۰۱	—	۳۴۰/۸۵۲	—	۲/۳۶۴/۹۷۷	—
۷	اروگوئه	۹/۵۹۴/۶۷۰	۲۲/۶۰۷/۴۱۲	۳۱۰/۴۳۲	۱۶۶/۶۰۰/۱۱۴	—	—
۸	شیلی	۵۶۷/۳۶۹	۱۸/۲۸۲/۴۷۲	۲/۶۴۶/۴۶۱	۵/۳۶۲/۴۷۹	۵۹۶/۳۲۱	۳/۴۴۹/۰۹۱

۱. برگرفته و جمع‌بندی‌شده از آمار تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای امریکای لاتین، دسترسی در: TEHRAN CHAMBERS OF COMMERCE INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE http://www.tccim.ir/ ImpExpStats_TariffCustomCountry.aspx?mode=doit#

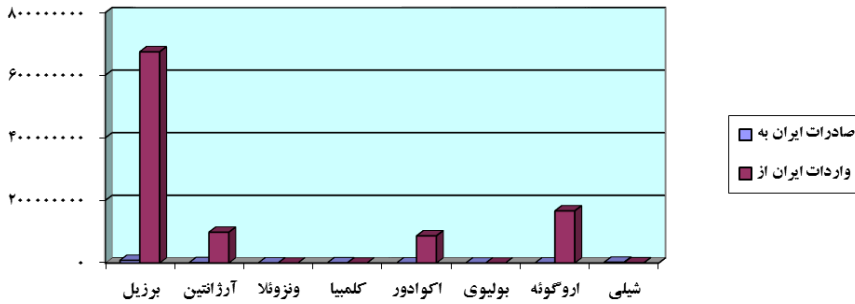


جدول شماره پنج و نمودارهای شماره ۶، ۷ و ۸ نشان می‌دهد تجارت خارجی ایران با هشت کشور امریکای لاتین طی سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ فرازوفرودهایی داشته، اما طی همین مدت با وجود تحریم‌های ایالات متحده و کاهش مراودات دولت دوازدهم با منطقه، به بیش از ۳/۵ میلیارد دلار رسیده، که در این میان تجارت خارجی ایران با کشورهای برزیل و آرژانتین به‌عنوان شرکای بزرگ اقتصادی و بازرگانی بیش از سایر کشورهاست. ایران بخش مهمی از نیازهای خود به مواد غذایی را از برزیل و آرژانتین تأمین می‌کند که نشان می‌دهد کمتر از نگرش‌های ایدئولوژیک تأثیر گرفته است. البته زمانی که داسیلوای چپ‌گرا در برزیل بر سر کار بود، همسویی ایدئولوژیک مزید بر علت، و موجب افزایش میزان تجارت خارجی شد. ایران و کشورهای امریکای لاتین فارغ از مناسبات سیاسی و ایدئولوژیک، به لحاظ اقتصادی به یکدیگر نیاز دارند و می‌توانند نیازهای یکدیگر را رفع کنند. کشورهایی مانند نیکاراگوا، ونزوئلا، بولیوی و اکوادور که دولت‌های چپ‌گرا در آن حاکم بودند، می‌توانند مقصد صادرات خدمات فنی و مهندسی ایران، و کشورهایی مانند مکزیک، برزیل و آرژانتین که به لحاظ صنعتی توسعه‌یافته‌تر از سایر کشورهای منطقه هستند، می‌توانند مقصد صنایع تک و داروهای تولید ایران باشند.

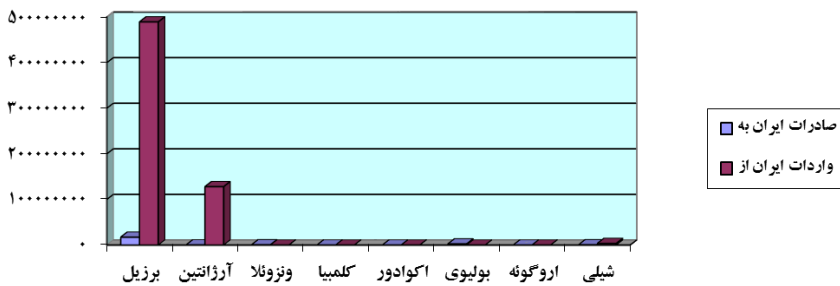
نمودار شماره ۶: صادرات و واردات در سال ۱۳۹۵



نمودار شماره ۷: صادرات و واردات در سال ۱۳۹۶



نمودار شماره ۸: صادرات و واردات در سال ۱۳۹۷

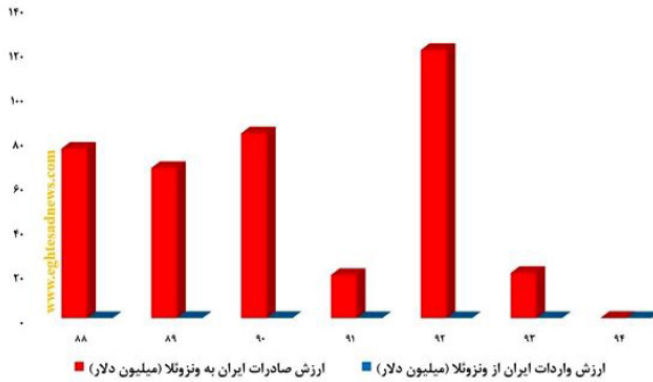


تبادلات بازرگانی ایران با ونزوئلا (دولت همسوسه به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک) در سال ۱۳۹۲ (سال پایانی دولت دهم)، به بالاترین سطح رسید و با ارزشی معادل ۱۲۰ میلیون و ششصد هزار دلار مواجه شد. اما با تغییر دولت دهم و بر سر کار آمدن دولت یازدهم (حسن روحانی) در سال ۱۳۹۲، ارزش صادرات ایران به ونزوئلا در سال ۱۳۹۳ با کاهش شدید مواجه شد و به بیست میلیون و سیصد هزار دلار (شکل شماره شش) تنزل کرد (Donya_e Eghtesad, 2019) که مهم‌ترین دلیل آن چرخش نگاه به سمت اروپا و باقی ماندن آثار تحریم‌ها بود (World Bank, 2018). همچنین واردات ایران از ونزوئلا در سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳ کمتر از صد هزار دلار بوده است (Donya_e Eghtesad, 2019).



نمودار شماره ۹: نمودار تجارت ایران و ونزوئلا

هفت سال تجارت ایران و ونزوئلا



همچنین جمهوری اسلامی ایران روابط تجاری با کشورهای بولیوی، نیکاراگوآ و اکوادور برقرار کرده است که می‌توان به پروژه ایران برای تجهیز بندر نیکاراگوآ، ساخت تأسیسات پتروشیمی در اکوادور، ساخت کارخانه سیمان، اکتشاف اورانیوم و استخراج معادن بولیوی نیز اشاره کرد (Bailey, 2012: 4).

آرژانتین یکی از قطب‌های اصلی اقتصادی و طرف قرارداد بازرگانی ایران (دومین شریک بازرگانی بعد از برزیل) محسوب می‌شود. ارزش واردات ایران از این کشور طی سال ۲۰۱۸ طبق آمار اتاق بازرگانی ایران (جدول شماره پنج) به رقم ۱۲۸/۰۳۹/۸۸۰ میلیون دلار و ارزش صادرات ایران به آرژانتین در همین سال به رقم ۱۳۹/۱۷۰ هزار دلار رسیده است (IRAN, MFA: 2019). بر اساس گزارش وزارت خارجه برزیل، ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شریک مهم تجاری برای برزیل بوده و قراردادهای مهمی در زمینه صنعت و معدن بین دو کشور تنظیم شده است (MFAB, 2017).^۱ ایران با برزیل به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری اش در امریکای لاتین همکاری دوجانبه در زمینه انرژی، گاز طبیعی و مایع، اکتشاف نفت و حفاری در آب‌های عمیق را آغاز کرد (Cruze, 2017: 6). سفیر برزیل در ایران، رودریگو دی‌آزیدو سانتوس^۲ نیز در سپتامبر ۲۰۱۸ اعلام کرد که کشورش قصد دارد ۱/۲ میلیارد دلار وام برای شرکت‌های برزیلی که با ایران فعالیت می‌کنند اختصاص دهد.^۳ در نیمه دوم سال ۲۰۱۸ ایران با وارد کردن مواد خام برای داروسازی با تعدادی از کشورها از جمله برزیل مذاکره کرد. علاوه

1. Ministry of Foreign Affairs Brazil, 2017.

2. Rodrigo de Azeredo Santos.

3. Ministerio Do Desenvolvimento Secretaria de Comercio Exterior: December 2018.



بر این، مذاکرات درباره احتمال سرمایه‌گذاری برزیل در صنعت نفت ایران نیز وجود دارد (AMAN, 2018). در حوزه فعالیت‌های نفتی نیز شرکت پترو براس که بزرگ‌ترین شرکت نفتی برزیل است با توجه به تجربه کار در آب‌های عمیق با شرکت نفت ایران قرارداد حفاری و اکتشاف داشتند. اما با روی کار آمدن دولت دست‌راستی ژائیر بولسونارو که در ۲۸ اکتبر ۲۰۱۸ به قدرت رسید و به دلیل همسویی شدید با امریکا، که به ترامپ برزیل شهرت دارد، همکاری‌های نفتی این کشور با ایران به حالت تعلیق درآمده است (زنجانی، ۱۳۹۸).

اگرچه پیگیری اهداف ایران با کشورهای امریکای لاتین پس از احمدی‌نژاد و متأثر از پرونده هسته‌ای کاهش محسوسی داشت، حسن روحانی، رئیس‌جمهور کنونی ایران، قصد دارد سیاست خارجی، اهداف دیپلماتیک و اقتصادی خود را در امریکای لاتین به‌منظور دور زدن تحریم‌ها احیا کند. در همین باره جواد ظریف، وزیر خارجه ایران، قبل از ترک نیویورک در ۲۷ تیر ۱۳۹۸ و سفر به سه کشور ونزوئلا، نیکاراگوآ و بولیوی، درباره اهداف سفر خود به امریکای لاتین گفت: «ما دوستان خوبی در امریکای لاتین داریم و همکاری‌های سیاسی و اقتصادی خوبی در جریان است. آنها در سال‌های گذشته شرکای سیاسی و اقتصادی خوب ما بودند و ما اکنون به دنبال تقویت آن هستیم» (Isna: 2019).

در سفر اول مرداد ۱۳۹۸ جواد ظریف به بولیوی، ظریف و دیه‌گو پاری، وزیر خارجه بولیوی، سند یادداشت تفاهم همکاری‌های توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران و بولیوی را امضا کردند و طرف ایرانی متعهد شد دانش فنی فناوری نانو را به‌واسطه ایجاد رشته کارشناسی ارشد و دکتری فناوری نانو و همچنین تأسیس آزمایشگاه تخصصی نانو در دانشگاه «امی» (EMI) بولیوی در چهارچوب همکاری توسعه‌ای جنوب-جنوب با هدف توانمندسازی و تربیت نخبگان بولیویایی در حوزه نانو و تولید مشترک محصولات دانش‌بنیان و همچنین تجاری‌سازی آن در منطقه امریکای لاتین به اجرا درآورد (Ghatre: 2019).

رقبا، موانع و مزایای بازرگانی ایران

جمهوری اسلامی ایران دارای نظامی است که مبتنی بر اصول اعتقادی اسلام ناب محمدی است و در راستای اهداف عالی الهی و اسلامی گام برمی‌دارد. براین اساس تلاش می‌کند ملت‌های دیگر جهان اعم از مسلمان و غیرمسلمان را به سمت سعادت اخروی رهنمود شود. بنابراین



اقدامات جمهوری اسلامی ایران در جهان خارج، با مخالفت، ممانعت و خصوصاً دشمنی مواجه می‌شود. امریکای لاتین نیز از مناطقی است که به دلیل همسویی با ایران و مخالفت با امپریالیسم امریکا زیر فشار قرار گرفته است و از تعامل و همکاری آن ممانعت به عمل می‌آید. حوزه اقتصاد در جهان امروز یکی از حوزه‌های بسیار مهم و تأثیرگذار در روابط بین‌الملل است و کشورهای قدرتمند می‌کوشند از ابزار تجارت برای تأمین اهداف توسعه‌طلبانه خود بهره‌برند، ملت‌های جهان را چپاول کنند و بر ثروت آنها مسلط شوند. جمهوری اسلامی ایران در امریکای لاتین با رقبایی مواجه است که منافع آنها موازی است و تضادی وجود ندارد، اما با برخی رقبا نیز دارای منافی متضاد است که رقبا می‌کوشند ایران را از صحنه خارج کنند. براین اساس رقبای جمهوری اسلامی ایران در امریکای لاتین را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) رقبایی که با جمهوری اسلامی ایران منافع متضاد دارند؛

ب) رقبایی که منافع متضاد ندارند.

رقبایی که با ایران تضاد منافع دارند عبارت‌اند از: رژیم صهیونیستی و ایالات متحده امریکا. رژیم صهیونیستی و ایالات متحده امریکا به دلیل تضاد منافی که با ایران دارند و حضور ایران را تهدیدکننده و تحدیدکننده منافع خود می‌پندارند، می‌کوشند ایران را از صحنه بازرگانی و تجاری امریکای لاتین حذف کنند.

رقبایی که با ایران منافع موازی دارند و تضاد منافع ندارند عبارت‌اند از: روسیه، چین و اخیراً ترکیه. این کشورها هر یک در حوزه‌های مورد علاقه با کشورهای امریکای لاتین به تعاملات بازرگانی مبادرت کرده‌اند و مانعی بر سر فعالیت‌های بازرگانی و اقتصادی ایران شمرده نمی‌شوند. روسیه نه تنها حضور ایران را در امریکای لاتین در تضاد با منافع خود نمی‌داند، بلکه آن را موجب تقویت و مکمل حضور خود قلمداد می‌کند (کاظمی قمی، ۱۳۹۸).

رویکرد امریکا در امریکای لاتین

به‌طور کلی استراتژی امریکا حفظ هژمونی در جهان به‌خصوص در نیم‌کره غربی است؛ زیرا حفظ و تقویت حضور هژمونیک در نیم‌کره غربی برای امریکا بسیار اهمیت دارد. استراتژی امریکا در طول تاریخ، به‌خصوص در دوره جنگ سرد، درباره امریکای لاتین در



قالب دیپلماسی دلار و همسایه خوب بوده است. آمریکا اقتصاد نولیبرالیستی را در این منطقه از طریق آژانس‌های خصوصی و نیمه-خصوصی مانند بنیاد ملی برای دموکراسی^۱ (NED) و سازمان توسعه بین‌المللی ایالات متحده^۲ (USAid) با هدف پیوند اقتصاد محلی به جهانی یا اقتصاد آزاد و حمایت از بازار آزاد انجام می‌داد. آمریکا با ونزوئلا در طول تاریخ روابط نزدیکی داشته و بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار بخش انرژی ونزوئلا بوده است (حسینی، ۱۳۹۸: ۴۷-۴۸). طبق آمار سال ۲۰۱۸ آمریکا با ۴۲ درصد، چین با ۲۳ درصد و هند با ۱۹ درصد واردکننده‌های اول تا سوم از ونزوئلا هستند. در مقابل، آمریکا با ۳۸ درصد، چین با ۱۸ درصد و مکزیک با ۱۲ درصد صادرکننده‌های اول تا سوم به ونزوئلا هستند و برزیل در رتبه چهارم قرار دارد. همچنین حجم صادرات روسیه به ونزوئلا حدود ۶۷ میلیون دلار است (حسینی، ۱۳۹۸: ۵۶). عمده صادرات ونزوئلا به آمریکا نفت است. ونزوئلایی‌ها در آمریکا هشت پالایشگاه به نام سیتکو و سی هزار پمپ بنزین دارند،^۳ اما در شرایط تحریمی نمی‌توانند پول خود را خارج کنند. این پالایشگاه‌ها با نفت سنگین ونزوئلا تنظیم شده‌اند و کار می‌کنند و جایگزینی آن مقرون به صرفه نیست و در صورتی که پالایشگاه‌ها و پمپ‌های بنزین یادشده از کار بیفتند، چند هزار نفر در آمریکا بیکار می‌شوند. بر اساس آخرین اخبار موجود، با توافقی بین آمریکا و ونزوئلا، حدود سیصد هزار بشکه نفت به صورت دوفاکتو به آمریکا صادر می‌شود (سبحانی، ۱۳۹۸: ۵۶).

۱. در شروع دهه ۱۹۸۰ موقوفه ملی برای دموکراسی تأسیس شد که هم‌زمان با ریاست‌جمهوری ریگان در آمریکا بود. در آن زمان بودجه این بنیاد از طریق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا تأمین می‌شد. در ۱۹۹۳ پس از اینکه مجلس نمایندگان بودجه‌اش را قطع کرد این منبع از دست رفت و بودجه بعداً از طریق کمیته هواپارانش حفظ شد.

2. National Endowment for Democracy.

۳. نمایندگی ایالات متحده برای توسعه بین‌المللی مشهور به نام اداره توسعه بین‌المللی آمریکا اداره‌ای نظامی است که ایالات متحده آمریکا آن را تأسیس کرده است. این نمایندگی در سال ۱۹۶۱ توسط جان کندی قانون کمک‌های خارجی آمریکا نافذ گردید و اداره آی.سی.ای. با سایر واحدهای کمکی آمریکا متحد شد و نام یو.اس.ای.دی. را به خود گرفت و از آن پس این اداره رسماً آغاز به کار کرد که بر چهار برنامه استوار است: ۱. کمک‌های توسعه‌ای به کشورها؛ ۲. جلوگیری از تخریب؛ ۳. کمک برای کشورهای فقیر که مردمان آن می‌کوشند از گرسنگی فرار کنند و صاحب زندگی بهتر شوند؛ ۴. اصلاحات و توسعه دموکراسی در ممالک جهان. این اداره در کشورهای جنوب صحرای افریقا، آسیا، آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، اروپا، کره و شرق میانه دفاتری فعال دارد. جالب توجه اینکه این اداره بند چهارم یعنی توسعه دموکراسی در ممالک جهان را بیش از بنود دیگر مورد توجه و دستاویزی برای دخالت و تغییر حکومت‌های مستقل جهان قرار داده است.

4. United States Agency for International Development.

۵. در برخی گزارش‌ها تعداد پمپ‌های بنزین متعلق به ونزوئلا در ایالات متحده آمریکا چهارده هزار اعلام شده است.



فعالیت یهودیان در امریکای لاتین

حضور یهودیان در امریکای لاتین به قرن پانزدهم مقارن با اولین حضور اروپاییان در این منطقه برمی‌گردد. براین اساس برآورد می‌شود حدود پانصد هزار یهودی در امریکای لاتین ساکن‌اند که بیشتر آنها در آرژانتین و برزیل زندگی می‌کنند (عسگری، ۱۳۹۰: ۸۷). همین مسئله موجب شده است رژیم صهیونیستی به امریکای لاتین توجه خاصی داشته و درصدد استفاده از فرصت‌های متنوع آن به‌ویژه اقتصادی، سیاسی، کشاورزی و فرهنگی باشد. بزرگ‌ترین دشمن ایران در امریکای لاتین، صهیونیسم است. سازمان‌های یهودی مختلفی (اعم از فرهنگی، سیاسی و ورزشی) در امریکای لاتین پراکنده‌اند و سرمایه‌گذاری‌های کلانی در بانک‌ها و مطبوعات دارند. در افکار عمومی امریکای لاتین مخالفت با صهیونیسم به شدت مخالفت با امپریالیسم نیست؛ زیرا صهیونیسم با سیاست‌های موذیانانه توانسته است تا حدودی خود را در سایه امپریالیسم پنهان کند (بهاروند، ۱۳۸۹: ۲۹).

امریکای لاتین به‌طور عام و برزیل به‌طور خاص از دیرباز به‌عنوان موطن یهودیان شناخته شده و یهودیان حضورشان را در این منطقه نهادینه کرده‌اند. بنابراین در محاسبات نمی‌توان یهودی‌ها را از این سرزمین جدا کرد؛ زیرا هشتاد درصد از اقتصاد برزیل در اختیار یهودیان است. برزیل مقام بیستم تجارت جهانی را در رتبه‌بندی برای رژیم صهیونیستی دارد که ۳۳ درصد از کل تجارت امریکای لاتین، به تجارت میان رژیم صهیونیستی و برزیل مربوط می‌شود. حدود ۸۶ درصد از تولیدات رژیم صهیونیستی به امریکای لاتین صادر می‌شود. عمده این صادرات را ماشین‌آلات برقی، لوازم صوتی-تصویری، قطعات الکترونیکی، سیستم‌های کنترلی و تجهیزات ناوبری هواپیمایی تشکیل می‌دهد. صادرات رژیم صهیونیستی به برزیل ۱/۲ میلیارد و واردات از برزیل ۲۰۶ میلیون دلار است.

شرکت‌های چندملیتی سرمایه‌گذاری سنگینی روی آمازون انجام داده‌اند و هر یک از آنها گاهی بیست زیرمجموعه دارند. یکی از مناطقی که یهودیان برزیل در آن خیمه زده‌اند، معادن الماس و طلا آمازون است. آمازون بزرگ‌ترین منابع الماس و طلا جهان را در خود دارد که صددرصد دست رژیم صهیونیستی است. دلیل اصرار امریکا و یهودیان بر بین‌المللی کردن آمازون و خارج کردن آن از اختیار برزیل، مونوپل کردن معادن غنی آن است. معادن آمازون سنگ‌هایی با عیار چهل یا پنجاه درصد دارد. معادن سنگ آهن برزیل که در سطح زمین واقع



شده و استخراج آن آسان و کم هزینه است، در اختیار یهودیان است. باند مافیایی حمل مواد مخدر از کلمبیا به ریو دو ژانیرو، از وسط آمازون می گذرد که این بخش هم در اختیار رژیم صهیونیستی و یهودیان قرار دارد. بیش از ۱۲۰ شرکت چندملیتی در برزیل از جمله «نستله» اصالتاً متعلق به رژیم صهیونیستی و منبع تغذیه رژیم صهیونیستی و یهودیان محسوب می شود. حتی تجارت گوشت برزیل در سیطره یهودی ها و مرکز هماهنگی آن در آمستردام هلند است. به طور کلی برزیل در سه محور از رژیم صهیونیستی واردات انجام می دهد:

الف) سامانه های کنترلی و ناوبری هوایی: تمام سامانه های کنترلی هواپیماها و تجهیزات ناوبری هوایی برزیل خصوصاً هواپیماهای «امبرایر» که در برزیل تولید می شود از رژیم صهیونیستی وارد می شود؛

ب) مواد شیمیایی و مشتقات آن: برزیل سالیانه پانزده میلیون تُن کود اوره برای کشاورزی نیاز دارد که کود اوره را از رژیم صهیونیستی، روسیه و عربستان وارد می کند؛

ج) کشت فراسرزمینی: رژیم صهیونیستی برای تأمین امنیت غذایی خود و در دست گرفتن غذای جهان، اقدام به گرفتن زمین به مقدار زیاد در برزیل و کشت فراسرزمینی غلات، ذرت، سویا و... کرده است (شاطرزاده، ۱۳۹۵: ۴۸-۵۰). صهیونیست ها همراه و هماهنگ با امریکا مخالف هرگونه اتحاد مالی و تجاری درون منطقه ای بین کشورهای امریکای لاتین هستند و تمایل دارند روابط آنها با روسیه، چین، ایران و دیگر کشورها قطع شود و تنها با رژیم صهیونیستی و امریکا برقرار باشد. بنابراین تلاش دارند از ایجاد و فعالیت تشکل های درون لاتینی و لاتینی با غیر لاتینی جلوگیری کنند.

تفاهم نامه های امضا شده بین برزیل و رژیم صهیونیستی

تبادلات بازرگانی و تجاری میان رژیم صهیونیستی و کشورهای امریکای لاتین به روشی جاری تبدیل شده و روبه گسترش است. در ادامه به برخی موافقت نامه های دوجانبه بین این رژیم و برزیل، بزرگ ترین کشور اقتصادی امریکای لاتین، اشاره می شود:

- موافقت نامه همکاری های فنی در ۱۲ مارس ۱۹۶۲؛

- موافقت نامه لغو روادید گذرنامه دیپلماتیک و ویژه؛

- توافق نامه تکمیلی همکاری های اقتصادی و فنی در ۱۹۶۴/۶/۳؛



- توافق بر سر استفاده از انرژی هسته‌ای در اقیانوس آرام در ۱۹۶۶/۱۱/۵؛
- کنوانسیون تبادل فرهنگی همکاری‌های علمی، پژوهشی و فناوری در ۱۹۷۳/۵/۲؛
- توافق‌نامه حذف ویزای دارندگان گذرنامه ملی معتبر در ۱۹۹۹/۱/۹؛
- کنوانسیون اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و پیشگیری از فرار مالیاتی در ۲۰۰۲/۱۲/۱۲؛
- توافق‌نامه ورزش برای وابستگان دیپلماتیک، کنسولی، اداری و فنی در ۲۰۰۲/۱۲/۱۲؛
- تفاهم‌نامه رایزنی‌های دوجانبه بین ام.آر.ای. و جنبش عدم تعهد در ۲۰۰۵/۵/۲۹؛
- تفاهم‌نامه همکاری بهداشتی و دارویی در ۲۰۰۶/۶/۱۹؛
- برنامه‌های فرهنگی برای سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در ۲۰۰۸/۲/۱۳؛
- تفاهم‌نامه توسعه اقدامات مشترک در کسب سود دوجانبه در ۲۰۰۹/۱۱/۱۱؛
- تفاهم‌نامه تجارت آزاد، امنیتی و اقتصادی برای جام جهانی ۲۰۱۴ و المپیک ۲۰۱۶ برزیل.^۱

همچنین یهودی‌ها با توجه به فراوانی آب، زمین حاصل‌خیز و ضعیف بودن عرق وطن‌پرستی در مردم آرژانتین که بیشتر از مهاجران اروپایی تبار هستند، اقدام به خرید زمین مرغوب به میزان پانصدهزار هکتار به بهای ناچیز کرده‌اند و کشت فراسرزیمینی را پیگیری می‌کنند. تجارت خارجی آرژانتین با رژیم صهیونیستی بین ۲۵۰ تا ۳۵۰ میلیون دلار صادرات آرژانتین به رژیم صهیونیستی و ۸۰ تا ۱۳۰ میلیون دلار صادرات رژیم صهیونیستی به آرژانتین متغیر بوده است. یکی از راه‌های نفوذ یهودیان بین آرژانتینی‌ها، تعاملات اقتصادی و بازرگانی است که به شدت هم در حال گسترش است (یوسفی، ۱۳۹۵: ۶۰). بنابراین یهودیان به‌طور عام و صهیونیسم به‌طور خاص به حضور ایران در امریکای لاتین نگاهی منفی و تحدیدکننده منافع خود دارند و تلاش می‌کنند مانع تبادلات بازرگانی و سیاسی کشورهای امریکای لاتین و ایران شوند. سیاست حذف ایران از معادلات امریکای لاتین که در امریکا و رژیم صهیونیستی به‌طور هماهنگ و مشترک دنبال می‌شود، آینده‌نگری و گسترش حضور و نفوذ انقلاب اسلامی را از سوی مقامات جمهوری اسلامی در حوزه فرصت‌ها همگام با گام دوم انقلاب اسلامی در امریکای لاتین گوشزد می‌کند.

راهبرد چین در امریکای لاتین

بررسی راهبرد کشورهای که مجاورت جغرافیایی یا معنوی دارند، بسیار آسان‌تر از کشورهایی است که برحسب ضرورتی و رای این دو امر، به هم روی آورده و سطوحی از همکاری را آغاز کرده‌اند. حضور چین، سرزمین دور از امریکای لاتین، سؤالات زیادی از جمله اینکه «راهبرد چین در امریکای لاتین چیست؟» در اذهان ایجاد می‌کند.

طبق گزارشی که شورای آتلانتیک در سال ۲۰۱۵ انتشار داده است، استراتژی چین را می‌شود در چهار گروه کلی دسته‌بندی کرد:

۱. روابط سیاسی؛

۲. تجارت و سرمایه‌گذاری؛

۳. انرژی و زیرساخت؛

۴. فرهنگ و آموزش.

براین اساس چین بهره‌وری اقتصادی بیشتر و پیدا شدن بازاری دائمی برای صادرات خود را در اولویت برنامه‌های استراتژیک خود در دیگر کشورها قرار داده است. رسانه‌های معتبر اسپانیایی زبان از جمله ال پائیس به این مسئله اشاره کرده‌اند که چین زمانی به امریکای لاتین وارد شد که امریکا استراتژی مشخصی برای کشورهای لاتین نداشت. پکن با برداشتن گام‌های بزرگ، در پی تأمین هزینه پروژه‌ها از تجارت با کشورهای امریکای لاتین است. به عبارت دیگر چین به کشورهای منطقه اعتبار داده است و تجار چینی را برای استفاده از آن گسیل می‌کند. یکی از اقدامات بسیار اساسی چین طی این مدت، اعتمادسازی بوده است. چین اعتماد کشورهای امریکای لاتین را جلب کرد و نشان داد فارغ از تنش‌های سیاسی می‌تواند استراتژی واحدی را در همکاری با دولت‌های چپ و راست منطقه داشته باشد. از سوی دیگر چین با ورود به امریکای لاتین، راه مبارزه اقتصادی با امریکا را نزدیک و از میان‌برهای جغرافیایی به خوبی استفاده کرد. سفارت چین نیز تسهیل و رشد تجارت و حمایت از تجار را برعهده داشت. به عنوان نمونه اولویت اول همکاری چین با کوبا اقتصادی بوده و توانسته است اعتماد مسئولان این کشور را جلب، و در معدن نیکل کوبا سرمایه‌گذاری کند، محصول آن را به چین ببرد و در مقابل، کالا به کوبا بدهد (پایش امریکای لاتین، ۱۳۹۷: ۱۰). بیش از دو میلیون هکتار از زمین‌های کشاورزی برزیل خریداری شده و به تولید محصولات مورد نیاز چین



اختصاص یافته است. توسعه روابط چین با مکزیک به عنوان دومین قطب اقتصادی امریکای لاتین هم قابل ملاحظه است. از سوی دیگر آرژانتین و دیگر کشورهای لاتین هم تمایل جدی به همکاری با چین به منظور کاهش وابستگی به امریکا دارند. «نه گفتن به سلطه اقتصادی امریکا» ناگزیر شرایط را برای «آری گفتن به چین» فراهم کرده است.

روسیه در امریکای لاتین

روسیه به عنوان قدرتی نوظهور سعی دارد عمق استراتژیک خود را به امریکای لاتین گسترش دهد و در برابر گسترش ناتو به شرق، به بازیگری پردازد و فشارهایی را بر ایالات متحده وارد کند. بنابراین در زمینه نظامی و انرژی، بخشی از نیازهای ونزوئلا، برزیل، بولیوی و... را تأمین می‌کند. روسیه بعد از برزیل بیشترین مراوده را با ونزوئلا بعد از روی کار آمدن چاوز به دلیل رویکرد ضد امریکایی او برقرار کرده است. مادورو در سفر اخیرش به روسیه در امتداد سیاست‌های چاوز، روسیه را شریک راهبردی ونزوئلا دانست و خواهان همکاری همه‌جانبه شد. ونزوئلا از زمان چاوز، بین یازده تا پانزده میلیارد دلار به صورت وام از روسیه جنگ‌افزار خریده است. همچنین شرکت The Roseneft که بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت روسیه است، در پنج پروژه اصلی و بالادستی فروش نفت، گاز، فناوری و تجهیزات ونزوئلا فعال شده است (حسینی، ۱۳۹۸: ۳۸-۴۵). نکته مهم برای روس‌ها سیصد میلیارد بشکه ذخایر نفت ونزوئلاست. روس‌ها می‌کوشند با سرمایه‌گذاری در صنایع نفت ونزوئلا و تسلط بر آن، با توجه به اینکه متخصصان نفت ونزوئلا یا اخراج شده و یا از کشور گریخته‌اند و این کشور با کمبود متخصص نفتی مواجه است، هم منافع خود را تأمین کنند، هم درآمدزایی ارزی برای دولت ونزوئلا داشته باشند و هم دست ایالات متحده را از منابع نفتی این کشور کوتاه کنند. این در حالی است که روس‌ها ایران را در ونزوئلا همکار خود دانسته‌اند که منافع متعارضی با آن ندارند. بنابراین حضور ایران را نه تنها مخل و مزاحم منافع خود نمی‌دانند، بلکه این حضور را مکمل فعالیت خود تلقی می‌کنند.



نتیجه گیری

روابط ایران پیش از انقلاب اسلامی با امریکای لاتین متأثر از قطب غرب به رهبری امریکا محدود و مدیریت شده بود، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی خصوصاً از زمان دولت خاتمی که هم‌زمان بود با روی کار آمدن هوگو چاوز چپ‌گرا در ونزوئلا، روابط خود را در چهارچوب کنش پراگماتیک و به دور از تأثیر قدرت‌ها با دولت‌های چپ‌گرای منطقه آغاز کرد و در دولت احمدی‌نژاد به حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و به‌ویژه اقتصادی بسط داد و تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای تجاری مانند ساخت کارخانه تراکتورسازی، کارخانه آرد ذرت، کارخانه سیمان، کارخانه لبنیات، کارخانه دوچرخه‌سازی، ساخت سد و تولید انرژی‌های برق‌آبی، ساخت مسکن و تأسیس بانک مشترک با ونزوئلا و دیگر دولت‌های چپ‌گراها به امضا رساند. اما نبود نقشه راه و راهبردی مدون موجب شده روابط با امریکای لاتین در دولت آقایان خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی حالت سینوسی به خود بگیرد. در طی این زمان دولت‌های چپ‌گرای همسو با ایران، یا از قدرت کنار زده شده (اکوادور و بولیوی) یا مانند ونزوئلا دچار بحران شده و فرصت‌های پیش روی ایران یکی پس از دیگری از دست رفته است. وضعیت ایران با ونزوئلا از این نظر که تحت تحریم‌های شدید امریکا قرار دارند مشابه است. بنابراین دو کشور باید به همکاری‌های دو و چندجانبه با شرکای قدرتمند نظیر چین و روسیه ارتقا بخشند. جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی متوجه ضعف‌های اساسی خود یعنی اقتصاد آسیب‌پذیر شده است. هشدارهای رهبر معظم انقلاب اسلامی طی بیش از یک دهه گذشته در خصوص اقتصاد این حقیقت را آشکار کرد که «چشم اسفندیار» ایران اقتصاد است و امریکا با فشار حداکثری قصد به زانو درآوردن ایران را دارد. فرصت‌های اقتصادی ایران در امریکای لاتین همچنان کم‌نظیر است. در گام دوم انقلاب اسلامی لازم است سیاست خارجی ایران به‌ویژه در زمینه اقتصادی در امریکای لاتین خصوصاً با کشور دوست، ونزوئلا، تدوین، و اراده گسترش روابط با آن منطقه اتخاذ شود.

خالی شدن صنایع نفت، گاز و انرژی برق‌آبی ونزوئلا از متخصصان، برای ایران فرصتی کم‌نظیر جهت صدور خدمات فنی و مهندسی است تا مشکل عدم درآمد ارزی ونزوئلا و ایران را برطرف، و دولت مادورو را حفظ کند. باتوجه‌به وفور معادن مختلف در ونزوئلا که بعضاً مواد اولیه را تولید کرده، اما به دلیل تحریم و کمبود متخصص بلااستفاده مانده‌اند،



وزارت خارجه هماهنگ با وزارت صمت باید زمینه ورود کارخانه‌های تولیدات فلزی کشور را به ونزوئلا به‌منظور تأمین مواد اولیه فراهم و در قبال آن مواد غذایی، دارو، خدمات درمانگاهی، ساخت مسکن برای طبقه ضعیف و سایر نیازهای کشور میزبان را برآورده کنند. با توجه به وجود زمین‌های حاصلخیز با غنای بسیار مناسب خاک و آب شیرین موجود و نیاز ایران به پروتئین حیوانی، فراورده‌های لبنی و کشت فراسرزیمینی، با اعزام نیروهای جوان و با انگیزه ایرانی جویای کار به این کشور، اقدام به انجام کشت فراسرزیمینی و تولید دام کند تا هم نیاز کشور میزبان و هم نیاز ایران را برآورده سازد. به اعزام نیروی کار به کشورهای امریکای لاتین که مهاجرپذیرند و از دانش و مهارت بالا بی‌بهره‌اند، باید به‌عنوان راهبرد بلندمدت نگریسته شود؛ زیرا فرصت اقتصادی صرفاً به دادوستدهای مالی زودگذر اطلاق نمی‌شود، بلکه سرمایه‌گذاری در حوزه نیروی انسانی متخصص با دانش و مهارت بالاست که می‌تواند در درازمدت برای کشور ارزآوری داشته باشد و نفوذ جمهوری اسلامی را در کنار مرزهای امپریالیسم امریکا گسترش دهد و ژرف کند. تمرکز ایران بر کشور بحران‌زده ونزوئلا و گشودن گره‌های اقتصادی و معیشتی این کشور که دوست و متحد ایران بوده و در خط مقدم مبارزه با استکبار جهانی به رهبری امریکاست، فرصت‌های اقتصادی ایران را متنوع خواهد کرد. جمهوری اسلامی ایران در زمینه صدور تولیدات تکنولوژی‌های تک، نانو تکنولوژی و داروهای خاص می‌تواند با کشورهای صنعتی منطقه یعنی برزیل، آرژانتین و مکزیک که هر سه کشور خواهان آن هستند همکاری کند.

منابع

منابع فارسی

- آدینه‌وند، احمد (۱۳۹۴). روابط ایران و آمریکای لاتین: مطالعه موردی ونزوئلا، تهران، وزارت خارجه.
- آقامحمد زنجانی، مهدی (۱۳۹۸). چشم‌انداز همکاری‌های نفتی ایران و برزیل (مصاحبه نگارنده با دیپلمات سابق ایران در برزیل)، ۲۱ خرداد.
- ادیب‌زاده، مجید (۱۳۸۷). گفتمان و سیاست خارجی: دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان نمادین ایران، تهران، اختران.
- ارغوانی، فریبرز و دیگران (۱۳۹۴). «آمریکا و چالش قدرت در آمریکای لاتین: مقایسه رویکرد

- ایران و چین»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۴، ش ۱۵.
- اسماعیل‌پور، اکبر (۱۳۹۶). «حل و فصل طلب نفتی ایران و نیکاراگوئه: تأثیر چشمگیر کانال نیکاراگوئه در تجارت جهانی انرژی»، ماهنامه بین‌المللی تخصصی حوزه نفت و انرژی: عصر کیمیاگری، ش ۵۶، آذر و دی.
- باقری، علی و محسن شفیعی (۱۳۹۳). از هاشمی تا روحانی، تهران، تیسرا.
- بای، نادعلی (۱۳۹۳). «سیاست خارجی ایران در امریکای لاتین»، اندیشکده راهبردی تبیین، <http://salamkhabar.com/fa/news/16205>.
- بهاروند، محسن (۱۳۸۹). «ژئوپلیتیک امریکای لاتین و سیاست جهانی»، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، س ۲۲، ش ۲۵۳.
- حسینی، سید محمود (۱۳۹۸). «متغیرها و راهکارهای داخلی و خارجی مؤثر بر مدیریت میان‌مدت بحران ونزوئلا»، اندیشه‌سازان نور، گزارش راهبردی سه ماهه دوم.
- رونق، مهدی (۱۳۹۷). سیاست‌های دولت روحانی در خصوص امریکای لاتین (مصاحبه نگارنده با رئیس اداره دوم امریکای لاتین)، تهران (پس از بازگشت از سفر به امریکای لاتین به همراه وزیر خارجه)، فروردین.
- سبحانی، احمد (۱۳۹۶). «تغییر اراده سیاسی کشور؛ شرط گسترش همکاری‌های اقتصادی و نفتی ایران با امریکای لاتین»، ماهنامه بین‌المللی تخصصی حوزه نفت و انرژی: عصر کیمیاگری، ش ۵۶، آذر و دی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴). ایران و جهانی شدن: چالش‌ها و راه‌حل‌ها، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- شاطرزاده، محسن (۱۳۹۶). «چشم‌انداز روشن همکاری ایران و برزیل در حوزه نفت و انرژی»، ماهنامه بین‌المللی تخصصی حوزه نفت و انرژی: عصر کیمیاگری، ش ۵۶، آذر و دی.
- صالحی، مجید (۱۳۹۶). «گفتمان جدید در روابط دوجانبه ایران و امریکای لاتین»، ماهنامه بین‌المللی تخصصی حوزه نفت و انرژی: عصر کیمیاگری، ش ۵۶، آذر و دی.
- ضیایی، محمدعلی (۱۳۸۵). «تاریخ روابط دیپلماتیک ایران و کشورهای امریکای لاتین»، همشهری آنلاین، ۱۵ دی ۱۳۸۵.
- عسگری، یاسر (۱۳۹۰). «اسلام در امریکای لاتین: چالش‌ها و فرصت‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۸، پاییز و زمستان.
- لطف‌علی‌پور، محمدرضا و زهرا شاکری (۱۳۹۰). «بررسی هم‌گرایی اقتصادی میان ایران و کشورهای امریکای لاتین»، فصلنامه توسعه اقتصادی، س ۱، ش ۲.



- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۵). «بررسی تطبیقی نگاه اروپا و آمریکا به امریکای لاتین و پیامدها»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲۲۵ و ۲۲۶.
- نوروژی، رسول (۱۳۹۰). «آمریکای لاتین: هویت و تمدن»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۸.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۵). تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیرکبیر.
- یوسفی کوپایی، غلام‌حسین (۱۳۹۵). «رژیم صهیونیستی: اهداف نفوذ در امریکای لاتین، بررسی پنج‌ساله؛ آرژانتین، برزیل و ونزوئلا»، اندیشه‌سازان نور، گزارش راهبردی سه ماهه دوم: ۷.
- _____ (۱۳۹۷). «تبیین کاربرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه امریکای لاتین؛ روندها و دستاوردها»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، س ۴، ش ۲۸، ص ۱۷۸.

منابع انگلیسی

- Aman, Fatemeh (2018). www.AtlanticCouncil.Org/December, 12.
- Bailey, N. (2012). Iran's Venezuelan gateway, the American Foreign Policy Council, 5, p. 4.
- Bruce, Miroff (1976). Pragmatic illusions: The Presidential politics of John F. Kennedy, Publisher: David McKay Company Inc: No Edition Stated edition, ISBN-10: 0679302999, ISBN-13: 978-0679302995.
- Douglas, F. (2009). Iran in Latin America: An Overview, Woodrow Wilson International Center for Scholars, Summer 2009.
- Hunter, S.T. (2010). Iran's Foreign Policy in the Post –Soviet Era, California and London, Prager.
- Krueger (2000), <https://www.eghtesadonline.com/25/4/1396/206101>
- Shane & Venkatraman, (2000), <https://www.eghtesadonline.com/25/4/1396/206101>
- Sarah Suoti & Vankatraman, (2002): p4, <https://www.ModirIran.ir/>.
- Gilpin, Robert, (2000), <https://basirat.ir/fa/news/266837/>.
- Lotfian, S. (2010). The New Role of Latin America in Iran's Foreign Policy, Iranian Review of Foreign Affairs, vol. 1, no. 3.
- Sullivan, M. P. (2012). Latin America: Terrorism Issues, Congressional Research Service, www.crs.gov.

- www.brazilexportmagazine.com.br :Situation and Prospect of World Economy.

- World Economic Outlook Report of the IMF (April: 2016)

- Zeraoui, Z. (2011). Iran, Los retos de la republicaislamica and its & Ignacio, K. (Buenos Aires: Siglo XXI EditoraIberoamericana).

- <https://economic.mfa.ir/portal/NewsView/50351/>

- <https://www.Tabyincenter>, 2016: 12048

- [http://www.tccim.ir/ ImpExpStats_ Tariff, CustomCountry.aspx?mode=doit#](http://www.tccim.ir/ImpExpStats_Tariff_CustomCountry.aspx?mode=doit#). TEHRAN CHAMBERS OF COMMERCE INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE.

- [https://www.Donya_e Eghtesad](https://www.Donya_e_Eghtesad), 2019.

- <https://www.Isna news>, New York: August 2019.

- <http://embassies.gov.il/brasilia/Relations/Pages/Israel-e-o-Mercosul.aspx>

-<https://www.Ghatre news>, July: 2019.